



د مولانا سعید افغانی : آزاده ، تولنیزه ، علمی ، فرهنگی او نشراتي ارکان ته بنه راغلاست!

محب الرحمن «خطبې»

د نشر نیته : 11 اگست 2014 ميلادي



اللهي رحم بکن

اللهي رحم بکن که ديگر جان نمانده است
از اشك بيکران لب خدنان نمانده است
رنج و عذاب ذليل نموده تار و پود من
از سوگ و غم ديگر بمن توان نمانده است
خورشيد رخت ببست و هم نور مهتاب
هم از غبار سياه ديگر آسمان نمانده است
ريش است و تفنگ ملي انسانيت نخير
اين قافله وحشي شده انسان نمانده است
اي هيولاي وحشي کشتی تو نور مادر
از ناله ها بيبين که گريبان نمانده است
پاهي گريز دارد محب ز اين ديار
اميده بود، ديگر ملي آorman نمانده است

محب الرحمن «خطبې»

بازگشت به صفحه اصلی
www.said-afghani.org